

گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

عبدالمجید سودمندی^{۱*}، حسین شریفی طرازکوهی^۲

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، مدرس مدعو دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲. دانشیار دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲

دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۰

چکیده

حق آزادی دین و عقیده از بنیادی‌ترین حقوق بشر است و حتی می‌توان گفت ایده کلی حقوق بشر در تاریخچه حمایت از اقلیت‌های دینی قرار دارد. این حق که در اولین قوانین حقوق بشری داخلی همچون اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند و اولین اصلحیه قانون اساسی آمریکا منعکس شده است از ابتدای نهضت جهانی حقوق بشر نیز مورد توجه بوده و در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها بر آن تأکید شده است.

با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که هنوز در مورد بعضی از اجزا و جنبه‌های حق آزادی دین و عقیده و به‌ویژه درباره حق تبلیغ دین، حق تغییر دین و محدوده حق آزادی دین کودکان اختلاف نظر وجود دارد. البته علیرغم تداوم اختلاف نظری در موضوعات فوق، می‌توان گفت که اسناد بین‌المللی، تعریف شفاف و جامع و مانعی از حق آزادی دین ارائه داده‌اند و موارد احتمالی ابهام این اسناد نیز توسط آرای نهادهای قضایی و نظارتی بین‌المللی رفع



ابهام شده است. مثلاً با استناد به میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز با توجه به نظرهای کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان گفت که افراد حق تغییر دین دارند و تبلیغ دینی نیز جزئی از حق آزادی دین است. در مجموع، شاید بتوان گفت تنها موضوعی که همچنان در هاله‌ای از ابهام است، تزامم حق آزادی دین کودکان و حق والدین برای تعیین نوع آموزش دینی کودکانشان است.

واژگان کلیدی: آزادی دین، آزادی عقیده، داشتن یا پذیرش دین، ابراز دین.

۱. مقدمه

اگرچه بعضی از جلوه‌های حق آزادی دین را می‌توان در بعضی از اسناد قدیمی همچون منشور کوروش مشاهده کرد [۱، ص ۹]، اما ریشه حق آزادی دین به معنای امروزی به قرن هجدهم بر می‌گردد. در واقع، از نظر تاریخی، وجود سندی همچون منشور کوروش یک استثنا است و تاریخ بشریت مملو از پدیده نابردباری مذهبی است که با ایجاد جنگ‌های زیاد و سرکوب‌های وحشیانه، موجب از دست رفتن جان انسان‌های زیادی شده است. البته این واقعیت تا حدودی تناقض‌آمیز است، زیرا معمولاً این جلوه‌های نابردباری، با استناد به دین و عقیده روی داده است [۲، پ ۱]. غیر از منشور باستانی کوروش، هیچ‌یک از اسناد باستانی و قرون وسطایی به حق آزادی دین اشاره نکرده‌اند. حتی منشور کبیر انگلستان که اولین قانون اساسی مدون است و در اوایل قرن سیزدهم میلادی صادر شده و متضمن بعضی از مصادیق حقوق بشر است به حق آزادی دین اشاره نکرده است [۳]. اما در هر حال، آزادی دین یکی از اولین حقوق بشری است که به رسمیت شناخته شده و حتی می‌توان گفت ایده کلی حقوق بشر در تاریخچه حمایت از اقلیت‌های دینی قرار دارد [۴، ص ۷]. اولین نشانه از حق عمومی آزادی دین را می‌توان در اولین قانون اساسی آمریکا به سال ۱۷۸۷ مشاهده کرد که بیان می‌کند: «سناتورها و نمایندگان مجلس... و تمام مسؤولان اجرایی یا قضایی ایالات متحده و هریک از ایالت‌ها باید سوگند بخورند یا

تأیید کنند که از این قانون اساسی حمایت می‌کنند؛ البته معیارهای دینی نمی‌تواند به‌عنوان شرط مشاغل و مسؤولیت‌های عمومی ایالات متحده به‌کار رود» [۵، ماده ۶]. فرایند به رسمیت شناختن حق آزادی دین و تعریف دقیق‌تر آن را می‌توان در اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند به سال ۱۷۸۹ و اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا به سال ۱۷۹۱ مشاهده کرد. در اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند آمده است: «نمی‌توان هیچ‌کس را به دلیل نظرهایش، از جمله عقاید دینی‌اش مورد اذیت قرار داد، مشروط به این که ابراز آن عقاید، نظم عمومی قانونی را مختل نکند» [۶، ماده ۱۰]. اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا نیز بیان می‌کند: «کنگره در مورد تأسیس یک دین یا ممنوعیت اعمال آزاد آن، قانونگذاری نخواهد کرد» [۵]. اما در عرصه بین‌المللی، ایده حقوق بشر و از جمله حق آزادی دین به‌دنبال جنگ جهانی دوم ظاهر شد [۷، ص ۱۹].

در واقع، تلاش جهانی برای تدوین حق آزادی دین و عقیده با فعالیت کمیسیون حقوق بشر آغاز شد و نتیجه آن ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که بر اهمیت این حق تأکید می‌کرد [۸]. بعد از آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق حقوق مدنی و سیاسی را در سال ۱۹۶۶ به تصویب رساند و با پذیرش حق آزادی دین و عقیده در ماده ۱۸ این میثاق، رعایت این حق را الزامی کرد [۹]. با ادامه کار مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده در سال ۱۹۸۱ پذیرفته شد و جنبه‌های مختلف حق آزادی دین و عقیده مشخص‌تر شد [۱۰]. در ضمن، این حق در مهم‌ترین اسناد منطقه‌ای حقوق بشر همچون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و منشور عربی حقوق بشر نیز درج شده است^۱ [۱۱، ماده ۹؛ ۱۲، ماده ۱۲؛ ۱۳، ماده ۸؛ ۱۴، ماده ۲۶]. اما علیرغم تلاش‌های فوق‌الذکر و پذیرش جهانی حق آزادی دین و عقیده، جای سؤال هست که آیا تعریف اسناد بین‌المللی از این حق، به اندازه کافی شفاف هست که بتواند پاسخگوی پرسش‌های اساسی

۱. این اسناد به ترتیب در تاریخ‌های ۴ نوامبر ۱۹۵۰، ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹، ۲۷ ژوئن ۱۹۸۱ و ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۴ پذیرفته شده‌اند و همگی لازم‌الاجرا شده‌اند.



زیر باشد: آیا آزادی دین فقط شامل حق داشتن اعتقادات مختلف است یا شامل حق ابراز این اعتقادات نیز می‌شود؟ آیا حق آزادی دین شامل حق تغییر دین نیز می‌شود؟ آیا آزادی دین، حقی فردی و خصوصی است یا می‌تواند جلوه‌های گروهی و علنی نیز داشته باشد و... .

نوشتار حاضر با مبنا قرار دادن ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان مقبول‌ترین سند متضمن حق آزادی دین^۱ و مقایسه آن با سایر اسناد جهانی و منطقه‌ای، به دنبال تبیین اجزای حق آزادی دین و پاسخگویی به سؤال‌های فوق است. ماده ۱۸ میثاق بیان می‌کند: «۱. هرکس حق آزادی... مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به‌طور فردی یا جماعت، خواه به‌طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد. ۲. هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد... ۴. دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان، محترم شمارند». براساس متن ماده فوق‌الذکر و با توضیحی که در ادامه خواهد آمد می‌توان گفت حق آزادی دین شامل اجزای زیر است: ۱. هرکس از حق آزادی دین برخوردار است؛ ۲. آزادی دین شامل حق داشتن یا پذیرش دین و حق ابراز دین است؛ ۳. آزادی دین، محدود به ادیان سنتی نیست و شامل هر اعتقادی است؛ ۴. ابراز دین می‌تواند به شکل فردی یا گروهی باشد؛ ۵. ابراز دین می‌تواند به شکل مخفی یا علنی باشد؛ ۶. جلوه‌های ابراز دین، متنوع است و محدود به شکل خاصی نمی‌شود؛ ۷. دولت‌ها وظیفه دارند حق آزادی دین را تضمین کنند و اعمال هیچ نوع اکراهی در مقابل حق آزادی دین، مجاز نیست؛ ۸. تعیین نوع آموزش دینی فرزندان در اختیار والدین است.

۱. تاکنون ۱۶۷ کشور به میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیوسته‌اند.

۲. هر کس از حق آزادی دین برخوردار است

ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با این عبارت شروع می‌شود که: «هرکس حق آزادی... مذهب دارد». بنابراین، حق آزادی دین و عقیده به همه افراد تعلق دارد. اصولاً آنگونه که ماده ۲ میثاق گفته است تمام حقوق مذکور در میثاق شامل تمام افراد ساکن در سرزمین کشورهای طرف میثاق می‌شود و نباید هیچ‌گونه تمایزی بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها بین افراد گذاشته شود. البته تمایز مبتنی بر اصل و منشأ ملی (تابعیت)، در یک مورد پذیرفته شده و آن درباره حق رأی و حق کاندید شدن است که مخصوص اتباع است (ماده ۲۵ میثاق)؛ اما درخصوص حق آزادی دین، بین اتباع و غیر اتباع کشور نیز تفاوتی وجود ندارد. سایر اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه محو تمام اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، منشور عربی حقوق بشر، اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام، کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، و اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان نیز همه افراد را بهره‌مند از حق آزادی دین دانسته‌اند^۱ [۸، ماده ۱۸؛ ۱۰، ماده ۱۱؛ ۹، ماده ۱۲؛ ۱۳، ماده ۸؛ ۱۴، ماده ۲۶؛ ۱۵، ماده ۹؛ ۱۶، ماده ۵؛ ۱۷، ماده ۳]. البته بعضی از اسناد بین‌المللی که گروه‌های خاصی از مردم را تحت پوشش قرار می‌دهند، حق آزادی دین را نیز درباره همین گروه‌ها به رسمیت شناخته‌اند. مثلاً کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها^۲ بیان می‌کند: «کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها حق دارند که از آزادی... مذهب بهره‌مند شوند» [۱۸، ماده ۱۲].

۱. سه سند اخیر به ترتیب در تاریخ‌های ۵ آگوست ۱۹۹۰، ۷ مارس ۱۹۶۶ و ۲ مه ۱۹۴۸ پذیرفته شده‌اند. کنوانسیون مربوط لازم‌الاجرا شده، اما اعلامیه‌ها ماهیتاً الزام‌آور نیستند.
۲. این کنوانسیون در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰ پذیرفته شده و لازم‌الاجرا نیز شده است.



۳. آزادی دین شامل حق داشتن یا پذیرش دین و حق ابراز دین است

ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ادامه تعریف حق آزادی دین بیان می‌کند: «این حق شامل آزادی داشتن یا پذیرش یک مذهب یا معتقدات... همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات... است». این عبارت در واقع، بیانگر مهم‌ترین تقسیم‌بندی حق آزادی دین است که آن را به دو جزء زیر تفکیک می‌کند: ۱. آزادی داشتن یا پذیرش دین، ۲. آزادی ابراز دین. این تقسیم‌بندی از این جهت حائز اهمیت است که جزء اول، حقی نامحدود و جزء دوم، حقی محدود است. در واقع، با توجه به بند ۳ ماده ۱۸ میثاق که فقط حق ابراز دین را محدودیت‌پذیر دانسته است، می‌توان گفت حق داشتن یا پذیرش دین، حقی مطلق است.

تعدادی از اسناد بین‌المللی دیگر نیز حق آزادی دین را شامل دو جزء آزادی پذیرش دین و آزادی ابراز دین دانسته‌اند. مثلاً کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بیان می‌کند: «هرکس حق آزادی... دین دارد. این حق شامل آزادی حفظ... دین یا عقاید، و آزادی اقرار یا اشاعه دین یا عقاید... می‌شود» [۱۲، ماده ۱۲]. همچنین نگاه کنید به اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، منشور عربی حقوق بشر، اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها. ۸، ماده ۱۸؛ ۱۰، ماده ۱۱؛ ۱۱، ماده ۹؛ ۱۳، ماده ۸؛ ۱۴، مواد ۲۶-۲۷؛ ۱۷، ماده ۳؛ ۱۸، ماده ۱۲].

سؤال بسیار مهمی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که آیا حق آزادی دین شامل حق تغییر دین نیز می‌شود یا نه؟ این سؤال وقتی مهم‌تر جلوه می‌کند که تفاوت لحن اسناد بین‌المللی را مورد توجه قرار دهیم. در واقع، از زمان صدور اعلامیه جهانی تاکنون، صراحت اسناد بین‌المللی درخصوص حق تغییر دین کاهش یافته

است. این استنباط مبتنی است بر مقایسه عبارت‌پردازی صریح اعلامیه جهانی که به حق تغییر دین^۱ اشاره دارد [۸، ماده ۱۸]. عبارت سازشی میثاق که حق داشتن یا پذیرش دین^۲ را به رسمیت شناخته، اما در مورد حق تغییر دین سکوت کرده [۹، ماده ۱۸]. عبارت سازشی ضعیف‌تر اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده که فقط به حق داشتن دین اشاره کرده و حتی به حق پذیرش دین نیز اشاره ندارد [۱۰، ماده ۱] و نهایتاً کنوانسیون حقوق کودک که علیرغم به رسمیت شناختن حق آزادی دین کودکان، تعریفی از این حق و گستره آن ارائه نداده است^۳ [۱۹، ماده ۱۴].

درخصوص تفاوت لحن ماده ۱۸ اعلامیه جهانی و ماده ۱۸ میثاق می‌توان گفت که این تفاوت ناشی از تلاش کشورهای اسلامی برای حذف حق تغییر دین از متن اسناد بین‌المللی بوده است. این تلاش که در مورد اعلامیه جهانی ناموفق بود در تنظیم متن میثاق مؤثر واقع شد. کارهای مقدماتی تدوین ماده ۱۸ اعلامیه جهانی نشان می‌دهد که «کمیسیون حقوق بشر به اتفاق آراء، متن فعلی را پیشنهاد کرد. این پیش‌نویس در کمیته سوم مجمع عمومی مورد بررسی قرار گرفت. در آن‌جا گروهی از کشورهای اسلامی به رهبری عربستان سعودی تلاش کردند جمله حاوی حق تغییر دین را حذف کنند... اما در نهایت موفق نشدند» [۴، ص ۱۰].

در هر حال، علیرغم سکوت ماده ۱۸ میثاق درباره حق تغییر دین، کمیته حقوق بشر به‌عنوان مفسر رسمی میثاق، حق تغییر دین را به رسمیت شناخته و بیان می‌کند: «آزادی

1. freedom to change his religion or belief

2. freedom to have or to adopt a religion or belief

۳. این کنوانسیون در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ پذیرفته شده و لازم‌الاجرا نیز شده است. البته علیرغم عدم تعریف حق آزادی دین در کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان گفت که این کنوانسیون، حق آزادی دین را شامل حق تغییر دین نیز می‌داند، زیرا ماده ۴۱ آن بیان می‌کند: «هیچیک از مواد کنوانسیون حاضر قوانینی را که در جهت تحقق حقوق کودک مؤثرتر بوده و جزء موارد زیر باشد تحت تأثیر قرار نمی‌دهد: الف) قانون کشور عضو، یا ب) قواعد بین‌المللی لازم‌الاجرا در آن کشور». بنابراین با توجه به اشاره صریح یا ضمنی اسناد بین‌المللی دیگر به حق تغییر دین، باید کنوانسیون حقوق کودک را نیز مؤید این حق دانست.



داشتن یا پذیرش یک دین یا عقیده، حتماً به آزادی انتخاب یک دین یا عقیده منجر می شود و این شامل حق جایگزین کردن دین یا عقیده فعلی با دین یا عقیده دیگر یا پذیرش نظرهای الحادی و همچنین حق حفظ دین یا عقیده می شود» [۲۰، پ ۵].

در ضمن، به غیر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، بعضی از اسناد بین المللی دیگر نیز صراحتاً به حق تغییر دین اشاره کرده اند. مثلاً کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می کند: «هرکس حق آزادی... دین دارد. این حق شامل آزادی تغییر دین یا عقیده و همچنین آزادی ابراز دین یا عقیده... می شود» [۱۱، ماده ۹؛ همچنین نگاه کنید به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ ۱۲، ماده ۱۲].

در مجموع، با توجه به اسناد فوق الذکر و نظر کمیته حقوق بشر و نظر تعداد کثیری از حقوقدانان که نمونه نظر آن‌ها در گزارش‌های گزارشگران آزادی دین سازمان ملل منعکس شده است [۲۱، پ ۱۱]، نباید تردید کرد که تغییر دین، جزئی از حق آزادی دین است [۴، ص ۱۰].

اما در هر حال، نمی توان انکار کرد که حق تغییر دین همچنان محل مناقشه است، به ویژه بین کشورهای اسلامی، از یک طرف و سایر کشورها، از طرف دیگر. البته شیوه مخالفت کشورهای اسلامی با حق تغییر دین که بارزترین نمونه آن در زمان صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر متجلی شد، حاکی از این است که مخالفت این کشورها حالت مطلق نداشته، فقط موارد سوءاستفاده از این حق توسط مبلغان دینی را شامل می شود [۴، ص ۷].

در زمان پذیرش اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام که مقبولترین سند حقوق بشری در میان کشورهای اسلامی است^۱ نیز این مخالفت بروز پیدا کرد. در واقع، این اعلامیه، تنها سند بین المللی است که حداقل با بعضی از اشکال تغییر دین مخالفت کرده است. ماده ۱۰ این اعلامیه بیان می کند: «اسلام دین فطرت است و به

۱. اگرچه این اعلامیه الزام آور نیست، اما توسط جامع ترین سازمان کشورهای اسلامی، یعنی «سازمان کنفرانس اسلامی» پذیرفته شده است.

کار گرفتن هرگونه اکراه نسبت به انسان و یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نیست» [۱۵]. در ضمن، وجود حکم شرعی ارتداد، خود دلیلی است بر مخالفت علمای مسلمان با حق تغییر دین [۲۲].

۴. آزادی دین، محدود به ادیان سنتی نیست و شامل هر اعتقادی است

عبارت «به انتخاب خود»^۱ در ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مؤید این موضوع است که حق آزادی دین یا عقیده شامل هر نوع اعتقاد و از جمله عقاید غیردینی می‌شود. در واقع، اسناد بین‌المللی همچون میثاق حقوق مدنی و سیاسی با به کار بردن آزادی عقیده^۲ در کنار آزادی دین^۳، موجب گسترش این حق شده‌اند. کمیته حقوق بشر در این مورد می‌گوید: «ماده ۱۸ میثاق، اعتقاد به خدا، اعتقاد به عدم وجود خدا و اعتقادات بی‌ارتباط با وجود خدا^۴ و نیز حق عدم اقرار به هرگونه دین یا عقیده را حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، اصطلاحات عقیده و دین را باید به‌طور موسع تفسیر کرد. ماده ۱۸ به ادیان سنتی یا ادیان و عقایدی که ویژگی‌ها و اعمال نهادین شبیه به ادیان سنتی دارند محدود نمی‌شود» [۲۰، پ ۲].

آرای نهادهای قضایی بین‌المللی نیز با نظر کمیته حقوق بشر همسو است. مثلاً دیوان اروپایی حقوق بشر می‌گوید: «حق آزادی دین مذکور در ماده ۹ کنوانسیون اروپایی... یکی از عناصر اصلی هویت معتقدان و برداشت آن‌ها از زندگی است. به علاوه، این حق، دارایی باارزشی است برای معتقدان به عدم وجود خدا، لادری‌گرایان، شکاکان و افراد لاقید^۵» [۲۳، پ ۳۴].

-
1. of his choice
 2. belief
 3. religion
 4. theistic, non-theistic and atheistic beliefs
 5. atheists, agnostics, sceptics and the unconcerned



در ضمن، اسناد بین‌المللی دیگر همچون اعلامیه محو تمام اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور عربی حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها نیز حق آزادی دین و عقیده را شامل هر عقیده‌ای دانسته‌اند [۱۰، ماده ۱؛ ۱۱، ماده ۹؛ ۱۲، ماده ۱۲؛ ۱۴، ماده ۲۶؛ ۱۸، ماده ۱۲].

۵. ابراز دین می‌تواند به شکل فردی یا گروهی باشد

ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ادامه تعریف حق آزادی دین می‌گوید: «این حق شامل... آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به‌طور فردی یا جماعت... می‌شود». این جزء از تعریف حق آزادی دین و اجزای ۶ و ۷ که در ادامه خواهد آمد مخصوص حق ابراز دین است و شامل حق داشتن یا پذیرش دین نمی‌شود.

ویژگی فوق از این جهت حائز اهمیت است که بسیاری از اعمال دینی ذاتاً به صورت گروهی انجام می‌شوند و عدم تصریح اسناد بین‌المللی به اعمال دینی گروهی می‌توانست بهانه‌ای در دست حکومت‌ها باشد برای محدود کردن جلوه‌های جمعی ابراز دین. به عبارت دیگر، با توجه به تصریح فوق، حکومت‌ها نمی‌توانند مدعی شوند دین و اعمال دینی فقط جنبه فردی دارند.

بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر نیز به حق ابراز فردی و گروهی دین تصریح کرده‌اند. مثلاً کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می‌کند: «هرکس حق آزادی... دین دارد. این حق شامل... ابراز دین یا عقیده خود، خواه به‌طور فردی یا جماعت... می‌شود» [۱۱، ماده ۹؛ همچنین نگاه کنید به اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه محو تمام اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها؛ ۸، ماده ۱۸؛ ۱۰، ماده ۱؛ ۱۲، ماده ۱۲؛ ۱۸، ماده ۱۲].

۶. ابراز دین می‌تواند به شکل مخفی یا علنی باشد

ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی همچنین بیان می‌کند: «این حق شامل... آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود... خواه به‌طور علنی یا در خفا... می‌شود». این ویژگی نیز از دو جهت حائز اهمیت است. اول این‌که بعضی از اعمال مذهبی ذاتاً علنی هستند و قید فوق، انجام آن‌ها را تضمین کرده است (مثل شیوه‌های پوشش). اهمیت دیگر ویژگی فوق در این است که حق آزادی دین را منحصر در انجام اعمال دینی نمی‌داند، بلکه به دینداران حق می‌دهد بنا به مصالحی همچون تبلیغات دینی، اعمال دینی خود را به صورت علنی برگزار کنند؛ هرچند آن اعمال ذاتاً علنی نباشند (مثل برگزاری نماز جماعت در اماکن عمومی).

بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر نیز به امکان انجام اعمال علنی دینی در کنار اعمال مخفی تصریح کرده‌اند. مثلاً کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می‌کند: «هرکس حق آزادی... دین دارد. این حق شامل... ابراز دین یا عقیده خود... خواه به طور علنی یا در خفا... می‌شود» [۱۱، ماده ۹؛ همچنین نگاه کنید به اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه محو تمام اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها؛ ۸، ماده ۱۸؛ ۱۰، ماده ۱؛ ۱۲، ماده ۱۲؛ ۱۷، ماده ۳؛ ۱۸، ماده ۱۲].

در هر حال، نباید تردید کرد که حق آزادی دین شامل انجام اعمال دینی به هر دو صورت مخفی و علنی می‌شود و نمی‌توان گفت دین رابطه‌ای شخصی بین انسان و معبود است و دارای جلوه‌های آشکار و عمومی نیست. البته ممکن است برخی از جلوه‌های ابراز دین به دلیل برخورد با حقوق دیگران یا منافع عمومی محدود شود. اما بحث محدودیت‌های حق آزادی دین بحث مفصلی است که خارج از چارچوب این



نوشتار است.^۱

۷. جلوه‌های ابراز دین، متنوع است و محدود به شکل خاصی نمی‌شود

ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بعد از آن‌که ابراز دین را به صورت فردی یا گروهی و علنی یا مخفی دانسته است، اشکال ابراز دین را شامل عبادت^۲، اجرای آداب^۳، اعمال^۴ و تعلیمات مذهبی^۵ دانسته است. هرچند بعضی از اسناد بین‌المللی دیگر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور عربی حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها نیز به تمام یا بعضی از شیوه‌های فوق‌الذکر اشاره کرده‌اند، اما اصولاً این اسناد به تعریف و تعیین مرز این جلوه‌های ابراز دین نپرداخته‌اند [۸، ماده ۱۸؛ ۱۰، ماده ۱؛ ۱۱، ماده ۹؛ ۱۴، مواد ۲۷ و ۳۷؛ ۱۸، ماده ۱۲]. حتی نظرهای کمیته حقوق بشر حاکی از این است که مرز بین این چهار جلوه ابراز دین، آنچنان هم دقیق نیست [۲۰، پ ۵].

در هر صورت، ویژگی فوق‌حاکمی از این است که هر نوع عمل و رفتاری می‌تواند در قالب ابراز دین قرار گیرد. در این میان، اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، راهگشا است؛ زیرا انواع و اشکال مختلف ابراز دین را به کامل‌ترین شکل ممکن ارائه داده است. ماده ۶ این اعلامیه، آزادی دین و عقیده را

۱. طبق اسناد حقوق بشری همچون بند ۳ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، محدودکردن و مداخله در هر حق در صورتی مجاز است که سه شرط زیر را برآورده کند: ۱. مداخله، مبتنی بر یک قانون باشد، ۲. محدودیت قانونی برای حفظ یا ترغیب هدفی قابل قبول در حقوق بین‌الملل باشد، ۳. محدودیت مذکور برای حفظ یا ترویج هدف مورد نظر، ضروری باشد.

2. worship
3. observance
4. practice
5. teaching

شامل موارد زیر دانسته است: «۱. آزادی عبادت یا تجمع مرتبط با یک دین یا عقیده، و ساخت و نگهداری مکان‌هایی برای این اهداف. ۲. آزادی ایجاد و حفظ نهادهای مناسب برای امور خیریه یا بشردوستانه. ۳. آزادی ساخت، تهیه و استفاده از اقلام مرتبط با مراسم دینی و عقیدتی. ۴. آزادی نوشتن، انتشار و توزیع نشریات مرتبط با موضوعات دینی. ۵. آزادی آموزش دین و عقیده در مکان‌های مناسب. ۶. آزادی درخواست کمک و دریافت کمک‌های داوطلبانه از افراد و نهادها. ۷. آزادی تعلیم، انتصاب و انتخاب رهبران دینی یا تعیین جانشین آن‌ها. ۸. آزادی رعایت روزهای استراحت و برگزاری مراسم تعطیلات مذهبی. ۹. آزادی ایجاد و حفظ ارتباطات ملی و بین‌المللی در موضوعات دینی یا عقیدتی» [۱۰، ماده ۶]. اگرچه این اعلامیه ماهیتاً لازم الاجرا نیست، اما با توجه به پذیرش آن به طریق اجماع در مجمع عمومی سازمان ملل، می‌توان گفت که کشورها اصولاً بر شمول موضوعات فوق در حق آزادی دین و عقیده اتفاق نظر دارند.

با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که در بعضی موارد، عدم توافق درباره شیوه‌های مجاز ابراز دین، موجب مناقشه شده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین اختلافات درباره حق تبلیغات دینی است. واقعیت این است که از میان تمام اسناد حقوق بشری مورد بررسی در این نوشتار، فقط کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، صراحتاً حق تبلیغ دینی را جزئی از حق آزادی دین دانسته است [۱۲، ماده ۱۳].^۱ بنابراین، طبیعی است که به دلیل عدم تصریح سایر اسناد بین‌المللی به حق تبلیغ دینی، حقوقدانان درباره آن اختلاف نظر داشته باشند. مثلاً علی‌رغم این‌که دیوان اروپایی حقوق بشر همواره تبلیغ دینی بدون کاربرد شیوه‌های نامناسب (به‌ویژه تطمیع و تهدید) را جزئی از آموزش دینی و در نتیجه در چارچوب حق آزادی دین دانسته است [۲۴، پ ۴۹-۵۰؛ ۲۵، پ ۴۵]، اما قضات دیوان در این مورد اختلاف نظر دارند. مثلاً درباره این قانون یونان که بیان می‌کند: «۱. هرکس اقدام به تبلیغ دینی کند محکوم به حبس و جریمه نقدی... خواهد

۱. این کنوانسیون، اشاعه (disseminate) دین یا عقیده را جزئی از حق آزادی دین دانسته است.



بود، ۲. تبلیغ دینی، از جمله شامل هرگونه تلاش مستقیم یا غیرمستقیم است برای مداخله در عقاید دینی فرد دیگری با عقیده متفاوت، با هدف تخریب آن عقاید و با استفاده از هر نوع تشویق یا وعده تشویق یا حمایت معنوی یا کمک مادی، یا با استفاده از شیوه‌های متقلبانه یا سوءاستفاده از عدم تجربه، هوش پایین یا سادگی افراد یا اعتماد و نیاز آن‌ها، قضات دیوان اروپایی حقوق بشر چهار نوع نظر دادند: ۱. تبلیغ دینی حتی به شیوه مذکور در قانون فوق، جزئی از حق آزادی دین است و نمی‌توان مانع آن شد، ۲. قانون فوق به دلیل ابهام، حق آزادی دین را نقض می‌کند، ۳. تبلیغ دینی جزئی از حق آزادی دین است، اما اگر به شیوه مذکور در قانون فوق انجام شود می‌توان مانع آن شد، ۴. تبلیغ دینی اصلاً جزء حق آزادی دین نیست [۲۴].

سؤال مهم دیگری که در مورد ویژگی فوق مطرح می‌شود این است که اگر یک دین، حاوی قواعد حقوقی باشد آیا می‌توان اجرای این قواعد حقوقی را جزئی از حق آزادی دین دانست یا نه؟ نهادهای بین‌المللی به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند. مثلاً طبق نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، اگر ازدواجی طبق قواعد دینی صورت گیرد یا قراردادی بر مبنای دستورات دینی منعقد شود، دولت متعهد نیست به این ازدواج و قرارداد، همان آثار ازدواج و قراردادهای قانونی را اعطا کند [۲۶، پ ۵۰].^۱

در مجموع، می‌توان گفت هر نوع عمل یا رفتاری که بر مبنای اعتقادات دینی انجام شود در قلمرو حق آزادی دین است و فقط در شرایط خاصی که این اعمال یا رفتار منجر به نقض حقوق دیگران یا منافع عمومی شود، می‌توان آن‌ها را محدود کرد.

۱. البته کشورها اختیار دارند به پیروان ادیان، اجازه دهند از تمام یا بعضی از حقوق دینی بهره‌مند شوند؛ مثلاً طبق قوانین یونان، ازدواج‌هایی که توسط رهبران دینی ادیان شناخته شده در قانون برگزار می‌شود مشابه ازدواج های مدنی محسوب می‌شود و رهبران دینی، صلاحیت رسیدگی قضایی به بعضی اختلافات خانوادگی و ارثی را دارند [۲۶، پ ۵۰].

۸. دولت‌ها وظیفه دارند حق آزادی دین را تضمین کنند و

اعمال هیچ نوع اکراهی در مقابل حق آزادی دین، مجاز نیست

همان‌طور که می‌دانیم حقوق بشر به دو دسته حقوق مثبت و حقوق منفی تقسیم می‌شوند. حقوق منفی، حقوقی هستند که اصولاً برای تأمین آن‌ها نیازی به مداخله دولت نیست و فقط کافی است دولت مانع اعمال این حقوق نشود. اما حقوق مثبت، حقوقی هستند که بدون مداخله فعال دولت، محقق نمی‌شوند [۲۷، ص ۲۹۷-۲۹۸]. اکنون جای سؤال دارد که حق آزادی دین جزء کدامیک از این دو دسته است؟

اگر به ظاهر بند ۲ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی استناد شود که بیان می‌کند: «هیچ‌کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک دین یا عقیده به انتخاب خودش لطمه وارد آورد». می‌توان گفت حق آزادی دین، حقی منفی است؛ اما با توجه به بند ۱ ماده ۲ میثاق که بیان می‌کند: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند حقوق شناخته‌شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان... محترم شمرده و تضمین کنند^۱» می‌توان گفت که تمام حقوق مذکور در میثاق و از جمله حق آزادی دین، واجد جنبه مثبت نیز هستند.

اسناد بین‌المللی دیگر همچون اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، منشور عربی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها نیز به لزوم تضمین حق آزادی دین تأکید کرده‌اند [۱۰، مقدمه؛ ۱۱، مواد ۹ و ۱۲؛ ۱۲، مواد ۱ و ۱۲؛ ۱۳، ماده ۸؛ ۱۴، مواد ۲ و ۲۶؛ ۱۶، ماده ۵؛ ۱۸، مواد ۷ و ۱۲]. بنابراین می‌توان گفت اگر عملاً حق آزادی دین محقق نشود، کفایت نمی‌کند که دولت در مقابل آن منفعل باشد، بلکه دولت موظف است به منظور حمایت از این حق،

1. to respect and to ensure



اقدامات مثبتی را اتخاذ کند [۴، ص ۱۳]. البته محدوده این تعهدات مثبت، مورد مناقشه است. مثلاً دولت قادر نیست جلو هر نوع تخطی به حق تغییر دین را بگیرد، اما اگر این حق به شدت مورد تجاوز قرار گیرد، دولت موظف است متجاوزان را مجازات کند. در هر حال، طیف اقدامات دولت‌ها برای تضمین حق آزادی دین و عقیده، بسیار گسترده است و شامل تهیه قوانین، اقدامات عملی نهادهای اجرایی و تصمیمات نهادهای قضایی می‌شود^۱ [۴، ص ۹۸-۹۹].

نتیجه دیگر ویژگی فوق این است که نه می‌توان افراد را در پذیرش یک دین مجبور کرد و نه این‌که مانع آن‌ها در پذیرش یک دین شد. در ضمن، کلمه اجبار^۲ را باید به معنای اکراه در نظر گرفت؛ زیرا اولاً در بند ۲ ماده ۱۸ میثاق، کلمه لطمه^۳ به حق داشتن یا پذیرش دین عمداً به جای محروم کردن^۴ انتخاب شده است و این یعنی هر اقدامی که اثر ملموسی بر حق انتخاب و ابراز دین داشته باشد، ممنوع است. ثانیاً از کارهای مقدماتی تدوین میثاق معلوم می‌شود که منظور از کلمه اجبار، هم اجبار مستقیم و هم اجبار غیرمستقیم است [۴، ص ۱۲].

۹. تعیین نوع آموزش دینی فرزندان در اختیار والدین است

بند ۴ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی یکی از جلوه‌های حق آزادی دین را به این صورت بیان می‌کند: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد، سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان، محترم شمارند». این جزء از حق آزادی دین که با عباراتی کم و بیش مشابه در بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر همچون اعلامیه محو

۱. البته صرف وجود قوانین را نمی‌توان نشانه تضمین حق آزادی دین دانست، بلکه لازم است این قوانین، غیرفعال و متروک نبوده، توسط قوه قضاییه مستقل اجرا شود.

2. coercion
3. impair
4. deprive

تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان^۱ و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ نیز تکرار شده است [۱۰، ماده ۵؛ ۱۱، ماده ۲ پروتکل اول؛ ۱۲، ماده ۱۲؛ ۱۸، ماده ۱۲؛ ۲۸، ماده ۴؛ ۲۹، ماده ۱۳]، این سؤال را مطرح می‌کند که عبارت فوق، حق آزادی دین چه کسی را تأمین می‌کند؟

به نظر می‌رسد عبارت فوق، بیانگر یکی از جلوه‌های حق آزادی دین والدین یا سرپرستان قانونی کودکان است، مبنی بر تعیین محتوای آموزش دینی فرزندانشان. اما از جهتی دیگر، می‌توان گفت این عبارت، محدودکننده حق آزادی دین کودکان است. در واقع، نتیجه الزامی عبارت فوق این است که کودکان حق ندارند تعلیمات دینی مخالف خواست والدینشان را انتخاب کنند و این به معنای محدودیت حق آزادی دین کودکان است. این استنباط وقتی کامل است که معتقد باشیم کودکان نیز مشمول حقوق مذکور در اسناد بین‌المللی هستند. اما میثاق حقوق مدنی و سیاسی مانند بسیاری از اسناد دیگر، به‌طور مستقیم، کودکان را مشمول حقوق مذکور در خود ندانسته و فقط بعضی از حقوق را برای آن‌ها به رسمیت شناخته است.^۳ با وجود این، اگر به اصل عدم تبعیض مذکور در ماده ۲ میثاق توجه شود می‌توان گفت کودکان نیز اصولاً مشمول حقوق مذکور در میثاق هستند و بنابراین کودکان نیز حق آزادی دین دارند.

در تأیید استنباط فوق می‌توان گفت برخلاف اسناد فوق‌الذکر که حق آزادی دین کودکان را تحت سیطره خواست و نظر والدین دانسته‌اند، بعضی از اسناد دیگر یا در این مورد سکوت کرده‌اند یا این سیطره را مطلق ندانسته‌اند و یا صراحتاً حق آزادی

۱. این کنوانسیون در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۵۴ پذیرفته شده و لازم‌الاجرا نیز شده است.

۲. این کنوانسیون در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ پذیرفته شده و لازم‌الاجرا نیز شده است.

۳. مثلاً ماده ۲۴ میثاق، حق بر تابعیت را برای کودکان به رسمیت شناخته است.



دین کودکان را به رسمیت شناخته‌اند؛ مثلاً:

- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این مورد سکوت کرده است [۱۱].

- اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده، حق والدین را مطلق ندانسته و بیان می‌کند: «هر کودک از حق دسترسی به آموزش موضوعات دینی یا عقیدتی مطابق با خواست والدین خود یا سرپرستان قانونی - بسته به مورد - بهره‌مند است و مجبور نخواهد شد تعلیمات دینی یا عقیدتی مخالف با خواست ایشان را دریافت کند. البته بهترین مصلحت کودک، اعمال اصل راهنمایی است» [۱۰، ماده ۵].

- اما مهم‌تر از همه، کنوانسیون حقوق کودک است که شاید استثنای منحصر به فرد در این موضوع باشد؛ زیرا این کنوانسیون، حق آزادی دین کودکان را به رسمیت شناخته و مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی... مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد» [۱۹، ماده ۱۴].^۱

بنابراین، می‌توان گفت اسناد بین‌المللی درخصوص اولویت حق آزادی دین کودکان و حق والدین برای تعیین نوع آموزش دینی کودکانشان، اختلاف دارند و این اختلاف، حداقل بین کنوانسیون حقوق کودک از یک طرف، و سایر اسناد حقوق بشری از طرف دیگر، واضح و صریح است. در ضمن، نظرهای تفسیری نهادهای ناظر بر اسناد فوق‌الذکر نیز اگرچه به تبیین «حق والدین برای تعیین نوع آموزش دینی کودکان» و یا «حق آزادی دین کودکان» پرداخته‌اند، اما به اختلاف و تزامم این دو حق اشاره نکرده‌اند. مثلاً کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «آزادی مذکور در بند ۴ ماده ۱۸ میثاق مبنی بر حق والدین یا سرپرستان قانونی برای تأمین نوع آموزش دینی و اخلاقی فرزندانشان، تضمینی است برای آزادی آموزش دینی و عقیدتی مذکور در بند ۱

۱. لازم به ذکر است اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام از جهتی دیگر، استثنا است؛ زیرا نه تنها حق آزادی دین را به کودکان نداده، بلکه حق والدین را نیز در این مورد، مشروط کرده و بیان می‌کند: «والدین و افرادی که در وضعیت مشابهی هستند، حق دارند نوع آموزش فرزندان خود را انتخاب کنند، البته مشروط به این که منفعت و آینده کودکان را طبق ارزش‌های اخلاقی و اصول شریعت در نظر گیرند» [۱۵، ماده ۷].

ماده ۱۸. کمیته معتقد است اگر آموزش‌های دولتی شامل آموزش دین یا عقیده خاصی باشد در تعارض با بند ۴ ماده ۱۸ است، مگر این‌که در آن‌ها، معافیت‌های غیرتبعیض‌آمیز یا آموزش‌های جایگزین مطابق خواست والدین و سرپرستان قانونی پیش‌بینی شده باشد» [۲۰، پ ۶]. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در تفسیر ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اظهاراتی مشابه عبارات فوق می‌گوید: «کمیته یادآوری می‌کند که اگر آموزش‌های دولتی شامل آموزش دین یا عقیده خاصی باشد در تعارض با بند ۳ ماده ۱۳ است، مگر این‌که در آن‌ها، معافیت‌های غیرتبعیض‌آمیز یا آموزش‌های جایگزین مطابق خواست والدین و سرپرستان قانونی پیش‌بینی شده باشد» [۲۸، پ ۳۰]. نظرهای کمیته حقوق کودک نیز در این موضوع، راهگشا نیست. این کمیته می‌گوید: «پدر و مادر (و دیگران) را باید تشویق کرد که از طریق گفتگو و ارائه مثال و با شیوه‌ای کودک-محور، آن‌ها را هدایت و راهنمایی کنند که توانایی‌شان برای اعمال حقوقی همچون... حق آزادی دین مذکور در ماده ۱۴ را ارتقا دهد» [۲۱، پ ۱۷].

در آخر لازم به ذکر است غیر از اسنادی که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت، بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر نیز به‌طور صریح یا ضمنی حاوی حق آزادی دین یا ممنوعیت تبعیض دینی هستند؛ مثلاً:

- مواد ۱، ۱۳، ۵۵ و ۷۶ منشور سازمان ملل، خواستار احترام و تحقق آزادی‌های اساسی همه انسان‌ها بدون تبعیض مبتنی بر دین شده‌اند [۳۲].
- ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات نیز خواستار عدم تبعیض دینی در امور آموزشی شده است [۳۳].
- گروه‌های دینی، یکی از گروه‌هایی هستند که تحت حمایت ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی هستند [۳۴].
- ماده ۱ کنوانسیون تبعیض در امور استخدام و اشتغال نیز تفاوت‌های استخدامی مبتنی بر دین را ممنوع دانسته است [۳۵].
- ماده ۲ اعلامیه حقوق اعضای اقلیت‌های ملی، نژادی، دینی یا زبانی نیز عمل به



دین را جزء حقوق اقلیت‌های دینی می‌داند [۳۶].
- ماده ۱۳ پیش‌نویس اعلامیه حقوق مردمان بومی بر حق انجام اعمال دینی
توسط بومی‌ها تأکید کرده است [۳۷].^۱

۱۰. نتیجه‌گیری

می‌توان گفت حق آزادی دین از بنیادی‌ترین و قدیمی‌ترین حقوق بشری است که هم در نظام‌های حقوقی داخلی و هم در نظام بین‌المللی حقوق بشر منعکس شده است. به غیر از اسناد باستانی منحصر به فردی همچون منشور کوروش که این حق را به صورت محدودی به رسمیت شناخته‌اند، ورود این حق به عرصه حقوق داخلی به قرن هجدهم برمی‌گردد. در مجموع، می‌توان گفت اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند مصوب ۱۷۸۹ و اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا مصوب ۱۷۹۱، اولین قوانین داخلی هستند که تعریفی مشابه با اسناد بین‌المللی معاصر از حق آزادی دین ارائه داده‌اند. در عرصه بین‌المللی نیز حق آزادی دین از ابتدای جنبش جهانی حقوق بشر مورد پذیرش قرار گرفته است و ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان اولین سند عام حقوق بشری، بر لزوم تأمین این حق تأکید کرده است.

اما علیرغم تدوین حق آزادی دین و عقیده در مهم‌ترین اسناد حقوق بشری جهانی و منطقه‌ای، همچون میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، تعریف و گستره این حق همچنان محل مناقشه و اختلاف است. از جمله این اختلاف‌ها می‌توان به حق تبلیغ دینی، حق تغییر دین و محدوده حق آزادی دین کودکان اشاره کرد.

با وجود این و علیرغم تداوم اختلاف‌نظر در موضوعات فوق، می‌توان گفت که

۱. این اسناد به ترتیب در تاریخ‌های ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰، ۹ دسامبر ۱۹۴۸، ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ و ۲۶ آگوست ۱۹۹۴ پذیرفته شده‌اند و به غیر از اعلامیه‌ها که ماهیتاً الزام‌آور نیستند، سایر اسناد لازم‌الاجرا شده‌اند.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اسناد جهانی و منطقه‌ای، تعریف شفاف و جامع و مانعی از حق آزادی دین ارائه داده‌اند و موارد احتمالی ابهام این اسناد نیز توسط آرای نهادهای قضایی و نظارتی بین‌المللی رفع ابهام شده است. به‌عنوان مثال با استناد به میثاق حقوق مدنی و سیاسی و با توجه به نظرهای کمیته حقوق بشر و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان گفت که افراد حق تغییر دین دارند و تبلیغ دینی نیز جزئی از حق آموزش دینی است. اما در مجموع، می‌توان گفت تنها موضوعی که همچنان در هاله‌ای از ابهام است، تزامم حق آزادی دین کودکان و حق والدین به تعیین نوع آموزش دینی کودکانشان است و تاکنون نه اسناد بین‌المللی و نه نهادهای بین‌المللی به این تزامم و شیوه رفع آن نپرداخته‌اند.

در آخر لازم به ذکر است که حق آزادی دین همانند اکثر قریب به اتفاق دیگر مصادیق حقوق بشر، حقی مطلق نیست و محدودیت‌هایی بر آن حاکم است؛ محدودیت‌هایی همچون «ایمنی عمومی»، «نظم عمومی»، «بهداشت عمومی»، «اخلاق عمومی» و «حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران» که در ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به آن‌ها اشاره شده است. بنابراین برای شناخت کامل گستره حق آزادی دین و عقیده، علاوه بر آشنایی با اجزای آن که در این نوشتار به آن پرداخته شد، باید محدودیت‌های مجاز آن را نیز مورد بررسی قرار داد که خود بحث مفصلی است.

۱۱. منابع

[۱] مرادی غیاث‌آبادی، رضا، *گزیده‌ای از کتاب منشور کورش هخامنشی*، کمیته بین

المللی نجات پاسارگاد، ۱۳۸۴.

www.savepasargad.com/1.Far/Documents/cyrus%20declaration-qiyaas.htm

(Last visited June 2012).

- [2] E/CN.4/1987/35, <http://ap.ohchr.org/Documents/gmainec.aspx> (Last visited June 2012).
- [3] The Text of Magna Carta, www.fordham.edu/halsall/source/magnacarta.html (Last visited June 2012).
- [4] Nesvag, J., Diesen, I., Solheim, D., de Jimenez, I.G., Osttveit, J., Hellerslia, T.A., *Freedom of religion: A report with special emphasis on the right to choose religion and registration systems*, FORUM18, Oslo, 2001.
- [5] The United States Constitution (and its Ammendments), [http:// www.usconstitution.net/const.html](http://www.usconstitution.net/const.html) (Last visited June 2012).
- [6] Declaration of the Rights of Man and of the Citizen (French: Déclaration des droits de l'Homme ET du Citoyen), http://avalon.law.yale.edu/18th_century/rightsof.asp (Last visited June 2012).
- [7] Simons, D., *Central Asian Pocketbook on Freedom of Expression*, ARTICLE19, London, 2006.
- [8] Universal Declaration of Human Rights, www.ohchr.org/en/udhr/pages/language.aspx?langid=eng (Last visited June 2012).
- [9] International Covenant on Civil and Political Rights, www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx (Last visited June 2012).
- [10] Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief, www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/ReligionOrBelief.aspx (Last visited June 2012).
- [11] The European Convention on Human Rights (and its Five Protocols),

www.hri.org/docs/ECHR50.html (Last visited June 2012).

- [12] American Convention on Human Rights, [www.hrcr.org/docs/ American Convention /oashr.html](http://www.hrcr.org/docs/AmericanConvention/oashr.html) (Last visited June 2012).
- [13] African charter on human and peoples' rights, [www.hrcr.org/docs/ Banjul/afhr.html](http://www.hrcr.org/docs/Banjul/afhr.html) (Last visited June 2012).
- [14] Arab Charter on Human Rights, [http://www1.umn.edu/humanrts/instree /arabcharter.html](http://www1.umn.edu/humanrts/instree/arabcharter.html) (Last visited June 2012).
- [15] The Cairo Declaration on Human Rights in Islam, [http://www1.umn. edu/humanrts/instree/cairodeclaration.html](http://www1.umn.edu/humanrts/instree/cairodeclaration.html) (Last visited June 2012).
- [16] International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, [http://treaties.un.org/Pages/CTCTreaties.aspx?id= 4&subid =A&lang=en](http://treaties.un.org/Pages/CTCTreaties.aspx?id=4&subid=A&lang=en) (Last visited June 2012).
- [17] American Declaration of the Rights and Duties of Man, [http:// www 1.umn.edu/humanrts/oasinstr/zoas2dec.htm](http://www1.umn.edu/humanrts/oasinstr/zoas2dec.htm) (Last visited June 2012).
- [18] International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families, [http:// http://www2.ohchr.org/ english/bodies/cmw/cmw.htm](http://www2.ohchr.org/english/bodies/cmw/cmw.htm) (Last visited June 2012).
- [19] Convention on the Right of the Child, [www.ohchr.org/EN/ ProfessionalInterest /Pages/CRC.aspx](http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx) (Last visited June 2012).
- [20] Human Rights Committee, General comment No. 22: Article 18, 1993, www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/0/9a30112c27d1167cc12563ed004d8f15 (Last visited June 2012).
- [21] A/HRC/4/21, <http://daccess-ods.un.org/TMP/5103893.87607574.html> (Last visited June 2012).



- [۲۲] کدیور، محسن، «آزادی عقیده و مذهب در اسلام و اسناد حقوق بشر»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰.
- [23] ECHR, Buscarini and Others v. San Marino, 1999, <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-58915> (Last visited June 2012).
- [24] ECHR, Kokkinakis v. Greece, 1993, <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-57827> (Last visited June 2012).
- [25] ECHR, Larissis and Others v. Greece, 1998, <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-58139> (Last visited June 2012).
- [26] ECHR, Serif v. Greece, 1999, <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-58518> (Last visited June 2012).
- [27] Jonathan, G. C. , "Human Rights Covenants", *Encyclopedia of Public International Law*, Max Planck Institute, Elsevier Science Publishing Company INC, 1985, Vol. 8, p. 297-303.
- [28] Convention relating to the Status of Refugees, www.unhcr.org/pages/49da0e466.html (Last visited June 2012).
- [29] International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CESCR.aspx (Last visited June 2012).
- [30] Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General comment No. 13: Article 13, 1999, www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/0/ae1a0b126d068e868025683c003c8b3b?Opendocument (Last visited June 2012).
- [31] Committee on the Rights of Child, General comment No. 7: Implementing child rights in early childhood, 2006, <http://www2.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/AdvanceVersions/GeneralComment7Rev1>.

[pdf](#) (Last visited June 2012).

- [32] Charter of the United Nations, <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/auncharter.html> (Last visited June 2012).
- [33] Convention against Discrimination in Education, www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/DiscriminationInEducation.aspx (Last visited June 2012).
- [34] Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Treaty.xsp?action=openDocument&documentId=1507EE9200C58C5EC12563F6005FB3E5 (Last visited June 2012).
- [35] Convention Concerning Discrimination in respect of Employment and Occupation, www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/publication/wcms_decl_fs_85_en.pdf (Last visited June 2012).
- [36] Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, www.un.org/documents/ga/res/47/a47r135.htm (Last visited June 2012).
- [37] Draft Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/declra.htm> (Last visited June 2012).